

پیشگفتار

درباره معنای اصطلاح «نشانه-معناشناسی» می‌توان گفت که این واژه نه برای پیچیده‌نمودن، نه برای زیبا جلوه دادن و نه با هدف نوگرایی انتخاب شده است؛ بلکه مستقیماً با تحول نشانه‌شناسی مرتبط است، زیرا هرگاه بحث گفتمان به میان می‌آید، دیگر ما با نشانه‌های منفرد، کلان‌نشانه‌ها، خردنشانه‌ها و یا مجموعه‌ای از نشانه‌ها روبه‌رو نیستیم. آنچه بیش از هر چیز نظر ما را به خود معطوف می‌کند، چیزی است که در ورای نشانه‌ها، در پس نشانه‌ها و در تعامل آنها با یکدیگر می‌گذرد. به این ترتیب، ما برای نشانه‌ها تعریفی پویا قائلیم که آن را در نظامی فرایندی^۱ قرار می‌دهد، یعنی اینکه هر نشانه در تعامل، چالش، تبانی، پذیرش، طرد، تناقض، تقابل، همگرایی، واگرایی، همسویی، دگرسوایی، همگونگی و دگرگونگی با نشانه‌های دیگر، حرکتی فرایندی^۲ را رقم می‌زند که این حرکت خود راهی است به سوی تولید معنا.

پس نشانه تنها و دورافتاده نیست. بلکه همواره معنا را فرامی‌خواند؛ همان‌طور که معنا در نشانه تجلی می‌یابد. همان‌طور که سوسور^۳ دال و مدلول را به یکدیگر وابسته می‌داند و آن دو را به دو روی کاغذی تشبیه می‌کند که برش در آن سبب برش هم‌زمان در دال و مدلول می‌شود، ما نیز نشانه و معنا را وابسته به یکدیگر و همواره مانند دو عنصری می‌دانیم که به طور هدفمند جریانی را رقم می‌زنند. بر این اساس، دیگر نه نشانه به تنهایی می‌تواند کارایی داشته باشد و نه معنا بدون

۱. procès

۲. parcours dynamique

۳. Saussure

آن. در واقع، نشانه بدون معنا عقیم است و معنا بدون نشانه، هیچ، پوچ و نامشروع. همان گونه که نشانه حضور معنا را توجیه می‌کند، معنا نیز حضور نشانه را کارا، مؤثر و ضروری جلوه می‌دهد؛ و بالاخره نه نشانه بدون معنا ارزشی دارد و نه معنا بدون نشانه.

بر اساس همین دلایل است که اصطلاح نشانه-معناشناسی را به عنوان واژه‌ای که بتواند پاسخگوی همه توان و کارایی نشانه باشد، انتخاب نمودیم؛ زیرا نشانه‌شناسی به تنهایی یعنی مطالعه، شناسایی و طبقه‌بندی نشانه‌ها و در نهایت اطلاق مدلولی به آنها؛ و معناشناسی به تنهایی یعنی یافتن واحدهای کوچک و بزرگ معنایی و پرداختن به معناهای ضمنی. اما آنچه مسلم است، این است که نشانه با قرار گرفتن در نظامی فرایندی به تولید معنا می‌پردازد؛ معنایی که منجمد و ایستا نیست، زیرا فرایندی که نشانه‌معناها در آن قرار می‌گیرند، پویا و پایان‌ناپذیر است. نشانه، در تعریف ما، گونه‌ای منعطف، سیال، پویا، تغییرپذیر، متکثر و چندبُعدی است. همه اینها معنا را تعاملی، فرایندی، تحول‌پذیر، پویا و چندوجهی می‌سازند.

از این دیدگاه، نشانه-معناشناسی نویدی است به همه کسانی که به دنبال شناخت چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا در نظامهای گفتمانی‌اند، زیرا فرایند معناسازی خود تحت نظارت و کنترل نظامی گفتمانی قرار دارد.

برای اینکه این نظارت و کنترل بتواند به طور منطقی و کارا به حیات خود ادامه دهد، یکی از راههای مفیدی که برای آن در نظر گرفته شده است، قائل بودن به سطوح مختلفی برای آن است؛ این سطوح به ما اجازه می‌دهند تا بتوانیم با توجه به وسعت حضور نشانه-معناها، کارکردهای متفاوت معنایی آنها را ارائه دهیم. به همین دلیل است که ابعاد مختلفی را برای نشانه-معناها در نظر می‌گیریم، سپس هر یک را

در فصلی مجزا مطالعه خواهیم کرد.

این کتاب در ادامه و جهت تکمیل کتاب مبانی معناشناسی نوین^۱ ارائه می‌شود. در کتاب مذکور، نظام روایی گفتمان^۲ مطالعه و بررسی شد. چنین نظامی، واجد تغییر معناست؛ به عبارت دیگر، هرگاه بر اساس کنش و یا برنامه‌ای نظام‌مند و منطقی در وضعیت عامل اصلی یا عوامل گفتمان^۳ تغییری^۴ به وجود آید (به عنوان مثال در ماجرای سیندرلا ما از فقر و تنگدستی (وضعیت ابتدایی) به ثروت و خوشبختی (وضعیت ثانوی) تغییر معنا می‌دهیم)، می‌توان گفت که معنا تحقق یافته است. در نظام روایی، با مراحل منطقی دخیل در تغییر معنا روبه‌رویم. در این منطق، کنش از نقطه‌ای آغاز می‌شود، پس از طی مراحل، به سوی نقطه پایانی پیش می‌رود و در آنجا پس از تحقق تغییر معنا، پایان می‌یابد. چنین نظام نشانه-معناشناختی را باید نظامی بسته خواند؛ زیرا تغییر معنا تابع منطق نشانه-معناشناختی است و با تحقق این تغییر (ازدواج سیندرلا با شاهزاده و تولید معنای خوشبختی)، فرایند روایی به پایان رسیده، متوقف می‌شود. به دیگر سخن، گویا سرنوشت معنا در پایان یافتن فرایند روایی رقم می‌خورد. به همین دلیل است که می‌توان نشانه-معناشناسی روایی^۵ را نشانه-معناشناسی بسته^۶ خواند.

اما آنچه در کتاب حاضر مورد نظر مؤلف است، یک نظام نشانه-معنایی بسته نیست، زیرا نشانه-معناها گونه‌های حساس و حسی-ادراکی‌اند که می‌توانند در هر

۱. شعیری (۱۳۸۱).

۲. le parcours narratif du discours

۳. les actants du discours

۴. transformation

۵. sémiotique narrative

۶. sémiotique close

زمان و هر کجا بروز نمایند. به همین علت است که گاهی معنا اتفاق می‌افتد بی‌آنکه کنشی در کار باشد و یا اینکه عوامل گفتمان متوجه این اتفاق شده باشند و یا از قبل (آن‌گونه که در نظام روایی رایج است) برای آن برنامه‌ریزی کرده باشند. به همین دلیل معنا، هر عامل گفتمانی را حیرت‌زده می‌سازد و او را در مقابل حضوری غیرمنتظره قرار می‌دهد. این همان چیزی است که رخداد معنا نامیده می‌شود. یعنی اینکه معنا بدون هیچ برنامه‌ای از پیش تعیین شده‌ای رخ می‌دهد. پس نظامهای گفتمانی که در این کتاب مورد مطالعه قرار می‌گیرند، نظامهایی، تثبیت نشده، در حال بازسازی، در تنش، تأثیرپذیر و تأثیرگذار، تعاملی (بینادهنی،^۱ بیناعاملی،^۲ بیناکنشی،^۳ بیناشویشی^۴ ...) و همواره پویا هستند. این نظام گفتمانی را «نظام باز»^۵ می‌خوانیم. در چنین شرایطی، معنا هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه ما همواره در مقابل گونه‌معنایی گریزان قرار می‌گیریم، گونه‌ای که گویا در مقابل دیدگان ما شکل می‌گیرد ولی هیچ‌گاه به طور کامل دست‌یافتنی نیست و این همان نکته‌ای است که سیال بودن معنا را می‌رساند.

پس دیگر مأموریت نشانه - معناشناسی به مطالعه گفته‌هایی که معرف اشکال ویژه یا خاصی از نظامهای نشانه - معنایی اند محدود نمی‌شود؛ بلکه مطالعه گفتمانهایی است که در آنها عملیات گفتمانی راهی به سوی تولید گفتمانی متفاوت و غیرمنتظره است. بنابراین، دیگر چنین عوامل یا نشانه‌ها در کنار یکدیگر نیست که قدرت معنا را به نمایش می‌گذارد، بلکه آنچه اهمیت می‌یابد، حضور نه‌تنها بازنمودی، بلکه

۱. intersubjectif

۲. interactantiel

۳. interactionnaire

۴. intérêt

۵. système ouvert

زیبایی‌شناختی، حساس و حساسیت‌زا، عاطفی، حسی-ادراکی و در یک کلمه توهمی، تخیلی و تفننی نشانه-معناهاست. به همین دلیل است که عنوان گفتمان باز و زنده را برای نشانه-معناهای سیال انتخاب می‌کنیم. در چنین شرایطی، نشانه-معناها راهی به سوی ارائه گونه‌های ارزشی‌اند که گفتمانها هر یک بر اساس شرایط ویژه‌ای که در آن قرار دارند، در خود می‌پروراند. از این نظر، گفتمان به محل ثبت ارزش، تولید، دگرگونی، ویرانگری، بازسازی، جابه‌جایی و تحول آن به سوی ارزشی جدید و متفاوت تبدیل می‌گردد.

چنین ویژگیهایی سبب می‌شود تا دیگر گفتمان فقط محل بررسی و تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی نباشد، زیرا همه ویژگیهای نهفته در گفتمان آن را به موضوع پژوهشهای نشانه-معناشناختی تبدیل می‌کند؛ به دیگر سخن، گفتمان شرایط ایجاد نظریه‌پردازی و یا تحول نظریه‌های نشانه-معناشناختی را فراهم می‌سازد.

آنچه مدتهای طولانی توسط ساخت‌گرایی^۱ گناه علمی و یا خیانت به داده‌های تثبیت‌شده زبانی محسوب می‌شد نوعی ذهن‌گرایی^۲ بود که در مقابل عینیت‌گرایی^۳ در مطالعات زبانی قرار می‌گرفت، ولی امروز این گناه علمی به نوعی شمع هدایتگر در پژوهشهای زبان‌شناختی تبدیل شده است؛ زیرا ما را از بن‌بست مطالعات زبانی خارج می‌کند. منشأ چنین تحولی را مدیون داده‌های مربوط به پدیدارشناختی و تلاشهای افرادی چون هوسرل، مرلو پونتی و همچنین مطالعات قوم‌شناختی لوی استراوس و بالاخره اثر بسیار مهم گرمس^۴، در باب نقصان معنا که حکایت از ناکامل بودن معنا و گریزان بودن نشانه‌ها دارد، هستیم. در راستای همین

۱. le structuralisme

۲. subjectivité

۳. objectivité

۴. Greimas

تلاشها بود که در دو دهه هشتاد و نود میلادی آنچه به نام ساختارگرایی محض و یا عینیت گرایی در مطالعات نشانه - معناشناختی نمی گنجید، وارد این عرصه شد. البته ناگفته نماند که از دهه ۱۹۳۰، باختین^۱ برای نظام گفتمان جایگاهی ارزش مدار و ایدئولوژیک قائل بود که بعد پنهان یا عینیت نیافته آن را در نظر می گرفت.

زبان شناسان دیگری که در رد عینیت محض در نظام گفتمانی تلاش نمودند و مورد اتهام قرار گرفتند عبارت اند از: نوام چامسکی که برای دستور زبان جایگاهی قائل است که با احساس فاعل سخن گره خورده است، و گوستاو گیوم که «زمانی عملیاتی»^۲ را در شکل گیری واقعتهای زبان شناختی دخیل می داند.

اینک با توجه به همه این مشاجرات علمی، می توان دریافت که چرا نشانه - معناشناسی نیاز به زمانی طولانی داشت تا بتواند با نظریه های مستدل خود عبور از نشانه - شناسی عینی، ساختارگرا و یا نشانه - معناشناسی بسته را به نشانه - معناشناسی باز، منعطف و حساس تحقق بخشد.

بر این اساس، چهارچوبی که امروز علوم زبانی در آن به فعالیت می پردازند بسیار متفاوت تر از نظامهای ساختارگرایی عینیت یافته است: ساختارهای تثبیت شده به گونه های متحرک و پویا تبدیل شده اند. نظامهای زبانی قابلیت سازماندهی خود را یافته اند، اشکال زبانی در حوزه های مختلف جای گرفته اند، هر یک نوع شناسی^۳ منحصر به خود دارند و بالاخره عناصر شناختی با قابلیت های پویایی و تحول، جانشین گونه های ساختاری استحکام یافته شده اند.

شاید کتاب تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان برای بسیاری از متخصصان زبان شناسی، نشانه شناسی و تجزیه و تحلیل گفتمان به مثابه جهشی به شمار رود که هنوز زمان آن حداقل در ایران فرا نرسیده است. می خواهیم در اینجا با

۱. Bakhtine

۲. temps opérateur

۳. typologie

اطمینان به همه متخصصان حوزه‌های علوم زبانی در ایران بگویم که اگر ما امروز زمان را در اختیار نگیریم و از آن، آن گونه که باید استفاده نکنیم، زمان بسیاری از مسائل را به فراموشی خواهد سپرد یا قبل از آنکه به بار بنشینند، به دور خواهد انداخت. زمان نمی‌تواند آنچه را که ما بدان پرداخته‌ایم، برایمان حفظ کند. به همین دلیل است که شاید بتوان گفت ما در ایران زمانی به مطالعات مربوط به ساخت‌گرایی پرداختیم که در اروپا این حوزه مطالعاتی اوج خود را پشت سر گذاشته بود و جای خود را به نشانه-معناشناسی باز داده بود. هرگونه تأخیر در ارائه داده‌های زبانی ما را با نقص و کمبودی جبران‌ناپذیر مواجه می‌سازد که صدمه زیادی را به پیکره مطالعات نشانه-معناشناختی تولیدات زبانی اعم از کلامی و غیر کلامی وارد می‌کند.

کتاب حاضر دارای پنج فصل است؛ در فصل اول با عنوان «گفتمان»، نشان خواهیم داد که عملیات گفتمانی، تابع چه شرایطی است و چه عناصری در شکل‌گیری آن دخیل‌اند. مهم‌ترین نکته‌ای که در این فصل به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت چگونگی تبدیل گفتمان هوشمند^۱ به میدان عملیاتی^۲ است که در آن گونه‌هایی متفاوت، نو و ناآشنا تکثیر می‌گردند و حضوری را رقم می‌زنند که جهتمندی گفتمان به سوی تولید معناهای غیرمنتظره را به دنبال دارد.

فصل دوم این مطالعه که «بُعد شناختی گفتمان» نام دارد، ما را با جایگاه شناخت در گفتمان و شگردهای آن جهت تولید، دگرگونی، بازسازی، تکثیر، حذف و جابه‌جایی عناصر نشانه-معنایی آشنا می‌سازد. همین عناصر هستند که بر چرخه اطلاعات تأثیر می‌گذارند و به این ترتیب یا سبب انحراف در آن می‌گردند و یا از طریق چالش و تبانی، آن را بازسازی و به شیوه‌ای متفاوت ارائه می‌نمایند. پس گفتمان شناختی راهی به سوی برهم‌ریختن گونه‌های شناختی موجود و در جهت

۱. discours intelligent

۲. champ opérationnel

سازماندهی گونه‌های شناختی متفاوت و در برخی موارد برتر است. در فصل سوم این پژوهش با عنوان «بُعد حسی-ادراکی گفتمان» به این موضوع خواهیم پرداخت که سیال و گریزان بودن نشانه-معناها با جریانات حسی-ادراکی رابطه مستقیم دارد. به دیگر سخن، نشانه-معناشناسی باز یعنی اینکه برای تولیدات زبانی، به‌ویژه گفتمانهای هنری و ادبی، فرایندی حسی-ادراکی قائل باشیم که به سبب آن شکل‌گیری گفتمان زنده، غیرمنجمد و پدیدارشناختی میسر گردد. باور به فرایند حسی-ادراکی گفتمان یعنی فراتر رفتن از گونه‌های مطالعاتی مکانیکی، فنی، بی‌روح و غیرمنعطف و در نظر گرفتن حضوری حساس برای گفتمان که به جای تبعیت از ساختارهای مکانیکی بر نوعی هستی‌شناسی زبانی استوار است. فصل چهارم این کتاب به بررسی بُعد عاطفی نظام گفتمانی اختصاص دارد. در این بخش از مطالعه مشخص می‌شود که چگونه با عبور از نشانه-معناشناسی ناپیوسته^۱ و کنشی به نشانه-معناشناسی، پیوستاری^۲ و غیرکنشی، راه برای ورود شوش‌گری^۳ که دیگر از هیچ منطق روایی خاصی تبعیت نمی‌کند، باز می‌گردد. چنین شوش‌گری با حضور خود، بر همه برنامه‌ها و معادلات روایی از پیش تعیین شده مهر ابطال زده و فرایند جدیدی را رقم می‌زند که مبتنی بر شرایط عاطفی است. خروج از جریانات شناختی طبقه‌بندی‌شده و دارای بخشهای مشخص و مجزا، یعنی نوعی حضور عاطفی که می‌تواند در هر لحظه گفتمان را دستخوش تغییر سازد و به همین دلیل آن را در شرایطی ناپایدار، منعطف و غیرمنتظره قرار دهد. گفتمان عاطفی ما را با شوش‌گری مواجه می‌سازد که به جای هویتی ایستا، از هویتی پویا برخوردار است.

در فصل پنجم از این بررسی، با عنوان «بُعد زیبایی‌شناختی گفتمان» نشان

۱. discontinu

۲. continu

۳. sujet d'état

خواهیم داد که چگونه بر اساس فرایندی زیبایی-شناختی،^۱ گفتمان از گونه‌های رایج و متداول زبانی فاصله می‌گیرد و به ارائه گونه‌هایی متفاوت، متمایز و حتی گاهی ناهنجار می‌پردازد. جهت ایجاد فاصله و گذر از گونه‌های معمول و رایج زبانی به سوی گونه‌های زیبایی‌شناختی، نیاز به تکانه‌ای^۲ نشانه‌ای است. بر اثر همین تکانه است که نشانه طغیان می‌کند، از بستر همیشگی خود خارج می‌شود و با برهم‌ریختن معادلات رایج گفتمانی، نظام دریافتی نوین و غیرمنتظره‌ای را رقم می‌زند که «عقلانیت اسطوره‌ای»^۳ یا شاعرانه خوانده می‌شود. در نظام زیبایی‌شناختی گفتمان، با عملیاتی گفتمانی مواجهیم که با دخالت، حذف، جابه‌جایی، گزینش، برجسته‌سازی،^۴ تغییرات ناگهانی و غیره موجب بروز نمایه یا جلوه‌ای جدید و متفاوت از نشانه‌ها می‌شود که مبدأ شکل‌گیری گونه‌های زیبایی‌شناختی منحصر به فرد است.

در مجموع، این مطالعه به خوبی نشان می‌دهد که معنا و فرایند تولید آن دارای سازوکارهایی است که در همه گفتمانها یکسان نیست. پس این اثر به ما کمک خواهد کرد تا شرایط تولید معنا در گفتمانهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱. esthétique

۲. choc

۳. saisie mythique

۴. accentuation